

سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران

حسنعلی مؤذن‌زادگان^۱

چکیده

توجه به منافع عالیۀ کودکان و نوجوانان در تدوین سیاست جنائی کارآمد، بخشی از روند توسعه و منافع ملی کشورها محسوب می‌شود. به همین جهت، اتخاذ سیاست جنائی افتراقی ویژه در مبارزه با بزه‌کاری اطفال امری حیاتی است. در سطح بین‌المللی از ربع اول قرن بیستم، نهضتی فراگیر در حمایت از حقوق کودک به ویژه در بعد کیفری آغاز شده که حاصل آن کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ است.

در راستای این نهضت بین‌المللی، سیاست جنائی تقنینی ایران در زمینه وضعیت کودکان و نوجوانان معارض با قانون از زمان تصویب قانون مجازات عمومی تاکنون سیری تکاملی و روبه پیشرفتی نداشته است. البته، در خصوص حمایت از اطفال بزه‌دیده، تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱ گام مثبتی در سیاست جنائی تقنینی ایران است. همچنین، در سیاست جنائی قضائی، تدوین لایحه رسیدگی به جرائم اطفال در خصوص کودکان و نوجوانان معارض با قانون که به مجلس شورای اسلامی برای تصویب تقدیم شده، و نیز تکمیل لایحه جامع در دست تهیه حمایت از کودکان و نوجوانان که هر دو دارای استانداردهای لازم حمایت‌شکلی و ماهوی هستند، گامی مثبت تلقی می‌شوند و امید است که با لحاظ همین استانداردها به تصویب نهایی برسند.

واژگان کلیدی

کودکان و نوجوانان، سیاست جنائی تقنینی، سیاست جنائی قضائی، قوانین حمایتی ماهوی

و شکلی

۱. دکتر حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشیار و رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

امروزه توجه به حقوق کودکان و نوجوانان و نگرش نظام «کودک‌محور» در کلیه سیاست‌گذاری‌های آموزشی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و حقوقی کشور بخشی از روند توسعه و منافع ملی محسوب می‌شود و دولت‌ها باید در راستای تعهد ملی-انسانی خود در تحقق سیاست جنائی مزبور بودجه، امکانات و منابع انسانی کافی اختصاص دهند. زیرا نجات کشورها از معضلات دامن‌گیر کنونی نظیر فقر، بی‌کاری، بزه‌کاری و به‌ویژه اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، آدم‌ربایی و تروریسم و ضرورت پیش‌گیری اجتماعی از روند فزاینده بحران‌های انسانی-اجتماعی در زمینه معضلات مزبور و نیز ممانعت از تکرار تبهکاری‌ها و نابسامانی‌ها، ارتباطی آشکار با رسیدگی به وضعیت و مشکلات کودکان و نوجوانان به‌عنوان آینده‌سازان و مدیران آتی جوامع دارد.

به منظور تدوین یک سیاست اجتماعی جامع و کارآمد که بتواند طیف گسترده کودکان و نوجوانان بزه‌دیده، شاهد جرم، در معرض خطر و معارض با قانون را شامل شود، دولت‌ها باید با بهره‌گیری از سازمان‌های غیردولتی، در مرحله اول، برنامه‌ای مدون در پیش‌گیری اجتماعی از بزه‌کاری را سامان‌دهی کنند و از طریق این برنامه‌ریزی حداقل رفاه را در تأمین نیازهای ضروری کلیه آحاد جامعه از جمله کودکان و نوجوانان فراهم نمایند. سپس با عنایت ویژه به اقصای آسیب‌پذیر اجتماعی که مصداق بارز آنان کودکان و نوجوانان در معرض خطر، قربانی و شاهد جرم هستند، با برنامه‌ریزی اصولی اقدامات مؤثری برای جلوگیری از سقوط ایشان در ورطه بزه‌کاری مبذول دارند. در نهایت با رواج دادن این نگرش که کودکان و نوجوانان معارض با قانون در واقع بزه‌دیده شاهد جرم و در معرض خطر بوده‌اند و به لحاظ قصور و سهل‌انگاری اولیای خود و هیأت اجتماع در مسیر انحراف و بزه‌کاری افتاده و سقوط کرده‌اند، ضمن ترتیب دادرسی عادلانه و کارآمد در نظام قضائی با اتخاذ راه‌کارهای مؤثر به بازسازی شخصیت، آموزش، تربیت و اصلاح ایشان همت گمارند و از روش‌های تنبیهی

سرکوبگر و فرستادن آنان به مؤسسات بسته پرهیز نمایند و فقط به‌عنوان آخرین راه چاره و در صورت ضرورت و در کوتاه‌ترین مدت، آزادی ایشان را سلب کرده و از دامن خانواده و اجتماع جدا سازند و در همان مدت کوتاه نیز با استانداردهای مؤسسات در تطبیق با اعلامیه سازمان ملل متحد در خصوص ضوابط نگهداری کودکان و نوجوانان محروم از آزادی، زمینه بازهم‌نواسازی اجتماعی آنان را فراهم سازند.^۱ تحول حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان در سطح بین‌المللی از ربع اول قرن بیستم با نهضتی فراگیر از طریق صدور اعلامیه حقوق کودک مصوب ۱۹۲۴ سازمان ملل به ظهور پیوست. حاصل تلاش‌های جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و به‌ویژه جرم‌شناسان، دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی که به صدور اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و قطعنامه‌های متعددی در زمینه مسائل کودکان و نوجوانان منجر گردید، کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ سازمان ملل است.^۲

این کنوانسیون که مورد استقبال بسیاری از کشورها قرار گرفته^۳ خوشبختانه در اسفندماه سال ۱۳۷۲ به تأیید قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران رسیده است و مفاد آن برای دولت ایران لازم الاجراست.^۴

پرسش قابل طرح این مقاله، در زمینه قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان از گذشته تا به حال در حقوق ایران است. از بررسی منابع حقوق موضوعه ایران معلوم می‌شود که سیر تحول حمایت کیفری از حقوق کودکان و نوجوانان مسیری تکاملی نداشته است. در مقطعی از تاریخ، حقوق کیفری ایران

۱. ر.ک.: رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیش‌گیری از بزه‌کاری نوجوانان قطعنامه ۴۵/۱۱۲ مصوب مجمع عمومی مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰.

۲. برای مطالعه اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق کودک ر.ک.: بلیخ، سوسن؛ داور، زهرا؛ پاسگر، سوسن؛ و غیره؛ کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران؛ چاپ اول، (انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، تهران)، صفحات ۳۰-۱.

۳. این معاهده تا پایان سال ۱۹۹۷ توسط تمام کشورهای عضو سازمان ملل به استثنای سومالی و ایالات متحد آمریکا مورد تصویب قرار گرفته است. (ر.ک.: صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، نشریه اینونچنتی دایجست (Innocenti Digest) دادرسی ویژه نوجوانان، ص ۲).

۴. جمهوری اسلامی ایران بر اساس ماده واحده سال ۱۳۷۲، این کنوانسیون را به صورت مشروط پذیرفته است. برای مطالعه تبیین حق شرط ایران ر.ک. به: بلیخ، سوسن؛ داور، زهرا؛ پاسگر، سوسن؛ و غیره، همان، صص ۶۵-۱۱۶.

در خصوص کودکان و نوجوانان معارض با قانون هماهنگ با نظام بین‌المللی حقوق کودک، قدم برداشته، اما در مقطعی دیگر این مسیر متوقف گردیده و در دوران دیگر رجعت هماهنگی با نظام بین‌المللی آغاز شده است. در زمینه انطباق این تحولات بین‌المللی حمایت از حقوق کودکان با نظام حقوق اسلام، محققان اسلامی تحقیقات گسترده‌ای کرده اند. در این تطبیق غلبه با دیدگاهی است که به‌ویژه در حقوق کیفری مغایرتی با حقوق اسلام ملاحظه نکرده است.^۱

در این مقاله ضمن ارائه تعریفی اجمالی از کودک و نوجوان، به دسته‌بندی قوانین حمایتی کیفری اشاره کرده و سپس به بررسی سیر تحول قوانین حمایتی کیفری کودکان و نوجوانان در دوره‌های مختلف قانون‌گذاری ایران پرداخته می‌شود...

۱. تعریف کودک و نوجوان

در اصطلاح حقوق کیفری، کودک و نوجوان به کسی اطلاق می‌شود که فاقد پختگی جسمی، ذهنی، عاطفی و روانی لازم برای پذیرش مسؤولیت اخلاقی و اجتماعی است.^۲ سن مسؤولیت کودک و نوجوان در پذیرش امور اخلاقی و اجتماعی به‌ویژه در زمینه امور کیفری باید در نظام حقوقی به گونه‌ای تعیین شود که وی بتواند مسؤول رفتار خود شناخته شود. در زمینه مسؤولیت کیفری کودک اصولاً در نظام‌های حقوقی، با توجه به مفهوم مزبور، حداقل سنی که پایین‌تر از آن فرد فاقد مسؤولیت است و نیز سن مسؤولیت که پس از آن بزرگ‌سال تلقی شده و دارای مسؤولیت کیفری تام است، تعیین می‌شود.

۱. برای مطالعه تبیین اعلامیه حقوق کودک مصوب ۱۹۲۴ سازمان ملل و دیدگاه اسلام (ر.ک.: بهشتی، احمد؛ اسلام و حقوق کودک؛ چاپ دوم، (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۵۳) و موسوی بجنوردی، سخنرانی سیاست کیفری اسلام در دادرسی نوجوانان، مجموعه سخنرانی‌های ارائه شده در سمینار داری و یژه نوجوانان معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه و صندوق کودکان سازمان ملل متحد تهران، ۳ و ۲ اسفند ۱۳۷۸، صص ۵۶ - ۵۳ و مؤذن زادگان، حسنعلی؛ دادرسی کیفری ویژه اطفال در حقوق ایران؛ نشریه ندای صادق، (دانشگاه امام صادق (ع) واحد خاوران، سال نهم - بهار ۸۳ شماره ۳۳)، ص ۱۴۱.

۲. برای تبیین «سن مسؤولیت کیفری» ضابطه تعیین بزرگ‌سالی، ر.ک.: نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ هاشم بیکی، حمید؛ دانشنامه جرم‌شناسی؛ چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۷، صص

طبق ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۸۹ کودک به هر انسان کم‌تر از ۱۸ سال سن اطلاق می‌شود، مگر این که طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک سن قانونی کم‌تری تعیین شده باشد. از طرفی، کشورهای عضو معاهده طبق بند الف ماده ۴۰ باید حداقل سنی را که پایین‌تر از آن نتوان کودکان را دارای قابلیت نقض قوانین کیفری محسوب کرد، در نظام حقوقی خود تعیین نمایند.

در حقوق موضوعه ایران، به موجب ماده ۳۳ ق.م.ع. حداقل سن مسؤولیت کیفری ۱۲ سال تمام خورشیدی مقرر گردیده و کودکان زیر این سن مطلقاً فاقد مسؤولیت کیفری شناخته شده بودند.

از سوی دیگر اشخاص دارای سن ۱۸ - ۱۲ کودک و نوجوان تلقی و مسؤولیت کیفری آنان متمایز از اشخاص بالاتر از سن ۱۸ سالگی پیش‌بینی شده بود.

طبق ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه ویژه اطفال بزه‌کار مصوب سال ۱۳۳۸ حداقل سن مسؤولیت کیفری از ۱۲ سالگی به ۶ سالگی تقلیل یافت. اما اشخاص زیر ۱۸ سال همچنان کودک یا نوجوان برحسب مورد تلقی شده مسؤولیت کیفری متمایز با اشخاص بالای سن ۱۸ سالگی داشتند.

پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، طبق ماده ۱۲۱۰ ق.م. مصوب سال ۱۳۶۱ با اصلاحات بعدی در مورد این مسأله سن بلوغ شرعی ملاک قرار گرفت. فقط دختران زیر ۹ سال قمری و پسران زیر ۱۵ سال قمری کودک یا نوجوان تلقی شدند. قانون‌گذار با تصویب ق.آ.د.ا.ک. از این تلقی در مورد رسیدگی به اتهام کودک و نوجوان عدول کرد و با مقرر کردن آیین دادرسی خاصی برای ایشان کلیه اشخاص زیر ۱۸ سال را کودک و نوجوان قلمداد کرد. علاوه بر این، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱ در زمینه کودک‌آزاری با تعیین مصادیق خاصی از اصطلاح مزبور، کلیه اشخاص زیر ۱۸ سال را به‌عنوان کودک یا نوجوان مورد حمایت قرار داد.^۱

بدین ترتیب در نظام حقوقی فعلی فقط دختران زیر ۹ سال قمری و پسران

۱. ر.ک.: تبصره ماده ۲۲۰ ق.آ.د.ا.ک. و ماده ۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱.

زیر ۱۵ سال قمری به عنوان کودک و نوجوان تحت شمول حقوق جزای ماهوی قرار می‌گیرند و در خصوص حقوق جزای شکلی و کودک‌آزاری (بزه‌دیدگی) کلیه اشخاص زیر ۱۸ سال کودک یا نوجوان تلقی می‌شوند.

لایحه در دست بررسی و تصویب نهایی رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان به این دوگانه‌گرایی خاتمه داده و حداقل سن مسؤولیت کیفری را ۹ سال شمسی تلقی کرده و نظام مسؤولیت کیفری و حقوق جزای ماهوی را نیز به اشخاص زیر ۱۸ سالگی تسری داده است و از این حیث نیز با کنوانسیون حقوق کودک منطبق شده است.^۱

۲. طبقه‌بندی قوانین حمایتی کیفری کودکان و نوجوانان

همان گونه که گفته شد، در نظام حقوقی کودک‌مدار، کلیه قوانین و مقررات باید هم‌سو با منافع عالیۀ کودک و نوجوان مدون گردد. قوانین کیفری از این قاعده مستثنی نیستند. در نظام حقوقی مزبور، قوانین حمایتی کیفری به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌شود:

۲-۱. قوانین کیفری ماهوی

در قوانین ماهوی کیفری که ناظر به تعریف جرم، مجازات و مسؤولیت کیفری برای مرتکبان جرائم است، نظام حقوقی کودک‌مدار به گونه‌ای مدون می‌شود که اگر مرتکب جرم، کودک یا نوجوان باشد واکنش‌های ملایم فاقد جنبه سرکوبگری و آزاردهندگی مقرر شده و در آغاز با هدف قضازدایی، آنان را از دادرسی رسمی کیفری خارج نماید و در صورت عدم موفقیت این واکنش‌ها به گونه‌ای انتخاب شود که با لحاظ کیفرزدایی به بازسازی اجتماعی آنان منتهی گردد (۱۵۸- ۱۲۲ : ۸). و در صورتی که بزه‌دیده کودک یا نوجوان باشد، برای حمایت از آنان سیاست کیفری شدیدی اتخاذ نماید و مرتکبان بزرگ‌سال جرائم علیه کودکان و نوجوانان را به گونه‌ای کیفر کند که جنبه بازدارندگی آن شفاف

۱. این لایحه بنا به پیشنهاد قوه قضائیه در جلسه مورخ ۸۳/۹/۱۱ هیأت وزیران به تصویب رسیده و جهت طی تشریفات قانونی در حال حاضر در مجلس شورای اسلامی مطرح است.

باشد و منتهی به هدف پیش‌گیری از تکرار جرم علیه آنان شود.^۱

۲-۲. قوانین کیفری شکلی

قوانین کیفری شکلی راجع به کیفیت کشف جرم، تعقیب متهمان، تحقیقات مقدماتی جرائم، نحوهٔ محاکمه، سازمان و صلاحیت مراجع قضائی، انتظامی، طرق شکایت از آراء کیفری و چگونگی اجرای احکام جزائی است. مقنن در تدوین این دسته از قوانین نیز باید منافع عالیۀ کودک و نوجوان را اعم از اینکه متهم یا بزه‌دیده باشند، رعایت کند. جنبۀ حمایتی این قوانین نیز باید با لحاظ اصول دادرسی عادلانه و منطبق با دست‌آوردهای علوم جنائی، جرم‌شناسی و کنوانسیون حقوق کودک بر همگان روشن باشد. در قوانین شکلی کیفری کودک‌مدار، دادرسی باید به گونه‌ای مقرر شود که حریم خصوصی کودک یا نوجوان را کاملاً حفظ کند و از زدن برچسب اتهام به او بپرهیزد؛ در روند دادرسی وی را مشارکت دهد؛ برحسب مورد، قضا‌دایی و یا کیفر‌دایی نماید؛ از متخصصان مددکاری اجتماعی و روان‌شناسی برای کشف واکنش‌های مناسب با شخصیت او استمداد کند؛ مساعدت حقوقی رایگان در اختیارش قرار دهد؛ اصول حقوق کیفری از قبیل اصل برائت، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل رعایت حق دفاع در فرایند دادرسی یا اصل حق داشتن وکیل را رعایت کند؛ دادگاهی مستقل پیش‌بینی کرده و قضات ویژهٔ اطفال آشنا به حقوق کودک برای انجام دادرسی انتخاب کند؛ پلیس ویژهٔ اطفال برگزیند؛ در صورتی که کودک یا نوجوان بزه‌دیده باشد، در شیوۀ کشف و اعلام جرم تسهیل ویژه قائل شود. برای مثال، مصادیق اشخاصی را که بر مبنای اعلام جرم ایشان می‌توان مرتکب را تعقیب کرد توسعه دهد. همچنین، به افزایش حدود اختیارات ضابطان دادگستری برای نجات کودکان و نوجوانان بزه‌دیده و در معرض خطر بپردازد و سرانجام، به جرائم علیه کودکان و نوجوانان به صورت فوری و خارج از نوبت رسیدگی شود و از افشای مشخصات و هویت کودک و نوجوان بزه‌دیده و در معرض خطر

۱. گفتنی است که در جهت اعمال این سیاست اصولی، پیش‌نویس لایحهٔ حمایت از کودکان و نوجوانان در معاونت حقوقی و توسعهٔ قضائی قوهٔ قضائیه جهت تقدیم به مجلس شورای اسلامی در دست تهیه می‌باشد.

جلوگیری به عمل آورد.^۱

۳. قوانین کیفری حمایتی قبل از استقرار جمهوری اسلامی ایران

قوانین کیفری حمایتی قبل از استقرار جمهوری اسلامی را می‌توان در دو دوره زمانی از طریق مطالعه ق.م.ع. با اصلاحات بعدی و قانون تشکیل دادگاه ویژه اطفال بزه‌کار ۱۳۳۸ بررسی کرد.

۳-۱. قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و اصلاحات آن تا سال ۱۳۵۲

این قانون از حیث قواعد و مقررات شکلی و ماهوی کیفری قابل بررسی است.

۳-۱-۱. قواعد کیفری شکلی: در ق.م.ع. از حیث موضوع رسیدگی به اتهام کودکان و نوجوانان مقررات خاصی پیش‌بینی نشده بود. فقط در صورتی که نوجوانان بین ۱۵ و ۱۸ سال مرتکب جرم جنائی می‌شدند، به موجب ماده ۳۷ قانون مزبور برخلاف بزرگسالان، رسیدگی به اتهام و محاکمه ایشان در دادگاه جنحه مقرر شده بود. ماده ۳۷ مقرر می‌داشت: «اشخاص مزبور در ماده قبل (اشخاص ۱۲-۱۸ سال) هرگاه مرتکب جرمی شوند، اگر چه جرم ایشان جنایت باشد در محکمه جنحه محاکمه می‌شوند، مگر آنکه شریک جرم یا معاون آن برحسب اقتضای سن باید در محکمه جنائی محاکمه شود. در این صورت هر دو در محکمه جنائی محاکمه خواهند شد».

اگرچه در بادی امر این طور به نظر می‌رسد که تعیین صلاحیت دادگاه جنحه برای رسیدگی به جرائم جنائی نوجوانان، اتخاذ واکنش مناسب در مورد بزه‌کاری اطفال و برخورد ملایم قانون‌گذار بوده است، اما برخی از حقوق‌دانان دلیل این موضوع را استقرار دادگاه‌های جنائی در مراکز استان‌ها و مشکلات انتقال اطفال از شهرستان‌ها به مراکز استان‌ها، بیان کرده‌اند (۱۸ : ۱).

به هر حال به جز مورد مزبور که از لحاظ صلاحیت تمایزی بین رسیدگی به اتهام نوجوانان و بزرگسالان مقرر داشته بود، در سایر موارد قانون‌گذار مقررات

۱. پیش‌نویس در دست تهیه لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان که پیش‌تر به آن اشاره شد، در این خصوص نیز آیین دادرسی خاصی را مقرر کرده است.

یکسانی در خصوص شیوه رسیدگی به اتهام اطفال و نوجوانان و بزرگسالان پیش‌بینی کرده بود.

۳-۱-۲. قواعد کیفری ماهوی: در زمینه قوانین کیفری ماهوی، در صورتی که کودکان زیر ۱۲ سال متهم به ارتکاب جرم بودند، به موجب ماده ۳۴ همان قانون فاقد مسؤولیت کیفری قلمداد شده و صرفاً به اولیاء خود تسلیم می‌شدند تا با الزام به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق آنها نسبت به ایشان اقدام نمایند. طبق ماده ۳۵ چنانچه سن کودک بین ۱۲ - ۱۵ سال بود، فقط به ۱۰ تا ۵۰ ضربه شلاق محکوم می‌گردید. ولی مقرر بود که در یک روز بیش از ۱۰ و در دو روز متوالی زیاده از ۱۵ ضربه شلاق نواخته نشود. با عنایت به ماده ۳۶ اگر سن نوجوانان بیش از ۱۵ سال تمام بوده ولی به ۱۸ سال تمام نرسیده بود، در صورت ارتکاب جنایت، مجازات آنها حبس در دارالتأدیب کم‌تر از ۵ سال مقرر شده بود و اگر مرتکب جنحه می‌شدند، مجازات آنان کم‌تر از نصف حد اقل و زیادتر از نصف حد اعلا می‌شد. مجازات آنها همان جنحه مقرر نشده بود. وفق ماده ۳۸ تکرار جرم، و مستند به رأی وحدت رویه ۱۳۲۸/۱۲/۲۵ تعدد جرم از اعمال مجازات اشد تلقی نمی‌شد. همان طور که ملاحظه می‌شود، مقنن در تعیین واکنش کیفری علیه کودکان و نوجوانان معارض با قانون، هر چند نسبت به بزرگسالان (اشخاص بالای ۱۸ سال) کیفرهای ملایمی برقرار کرده بود، اما همچنان این کیفرها جنبه سرکوبگری و آزاردهندگی داشت.

در خصوص حمایت از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان در ق.م.ع. مقررات جامعی ملاحظه نمی‌شود. در عین حال، در ذیل فصل سوم از باب سوم این قانون تحت «عنوان جنحه و جنایت نسبت به اطفال» به شرح مواد ۲۰۱ - ۱۹۵، مقرراتی در راستای حمایت از اطفال بزه‌دیده مقرر شده بود. برخی از جرم‌انگاری‌ها و مجازات مربوط به آنها در مواد مزبور به شرح ذیل است:

— دزدیدن یا مخفی کردن طفل، یا او را بجای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگر غیر از مادر قلمداد کردن، شش ماه تا سه سال حبس تأدیبی (ماده ۱۹۵)؛

— عدم استرداد طفل به اشخاص دارای حق مطالبه از ناحیه فردی غیر از مادر
که طفل به او سپرده شده، یک ماه تا شش ماه حبس تأدیبی (ماده ۱۹۷)؛
— رها کردن طفل زیر هفت سال در محلی خالی از سکنه، شش ماه تا دو سال
حبس تأدیبی (ماده ۱۹۸)؛

— رها کردن طفل زیر هفت سال در آبادی، سه ماه تا یک سال حبس تأدیبی
(ماده ۲۰۰)؛

— تشویق افراد زیر ۱۸ سال به فساد اخلاقی یا شهوت‌رانی، شش ماه تا سه
سال حبس و تأدیه غرامت از ۲۵۰ تا ۵۰۰۰ ریال (ماده ۲۰۱).

علاوه بر جرم‌انگاری‌های مزبور، که خاص حمایت از کودکان و نوجوانان
بزه‌دیده است، گاهی مقنن ضمن جرم‌انگاری برای فعل یا ترک فعل، چنانچه
بزه‌دیده کودک یا نوجوان باشد، قائل به تشدید مجازات شده بود. مواردی از این
قبیل عبارت‌اند از:

— تجاوز به عنف در هتک ناموس زن کمتر از ۱۸ سال تمام دارای حداکثر
مجازات (۳ تا ده سال حبس)؛

— امرار معاش از طریق فحشاء زنان کمتر از ۱۸ سال تمام یا حمایت از
فاحشگی آنان دارای حداکثر مجازات شش ماه تا دو سال (ماده ۲۱۳).

۳-۲. قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه‌کار ۱۳۳۸

قانون مزبور، در زمان خود اولین قانون جامع و مترقی بود که در زمینه شیوه
رسیدگی اتهامات کودکان و نوجوانان معارض با قانون به تصویب رسید. البته با
توجه به پیش‌بینی ضرورت تأسیس قانون اصلاح و تربیت در این قانون و تأخیر
ده‌ساله در تصویب آیین‌نامه اجرائی آن، قانون یادشده در عمل امکان اجرا پیدا
نکرد. زیرا به موجب ماده ۱ این قانون در شهرستان‌هایی که قانون اصلاح و
تربیت تأسیس نشده بود، رسیدگی باید طبق ق.م.ع. انجام می‌شد.

ویژگی‌های مهم این قانون در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان معارض با
قانون را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- تشکیل دادگاه مستقل ویژه اطفال (ماده ۱)؛
- انتخاب قضات ویژه متبحر و صالح (ماده ۲)؛
- پیش‌بینی دو نفر مشاور بصیر (استاد، مدیر، دبیر و آموزگار) برای دادگاه در صورت جنائی بودن اتهام وارده (ماده ۳)؛
- تعیین حداقل سن کیفری (به موجب ماده ۴ اطفال زیر شش سال به‌طور کامل فاقد مسؤولیت کیفری بودند)؛
- درجه‌بندی مسؤولیت کیفری اطفال از ۱۲ – ۶ سال و ۱۵ – ۱۲ سال و ۱۸ – ۱۵ سال (مواد ۱۷ و ۱۸)؛
- پیش‌بینی تأسیس کانون اصلاح و تربیت (ماده ۲۲)؛
- لزوم انجام تعقیب، تحقیقات و دادرسی توسط قاضی دادگاه (ماده ۶)؛
- پیش‌بینی تشکیل پرونده شخصیت و اخذ و درج نظریات کارشناسان مددکاری اجتماعی و روان‌شناسان در پرونده با تشخیص قاضی دادگاه (ماده ۷)؛
- غیرعلنی بودن تحقیقات و رسیدگی به‌طور مطلق (ماده ۹)؛
- پیش‌بینی و الزام حضور و کیل در جرائم جنائی (ماده ۱۱)؛
- واکنش‌ها و تصمیمات ملایم و متفاوت نسبت به کیفرهای مقرر برای بزرگسالان (مواد ۱۷ و ۱۸)؛
- الزام قاضی دادگاه به بازدید کانون اصلاح و تربیت و رسیدگی به پیشرفت امور حداقل هر سه ماه یک‌بار (ماده ۲۵)؛
- الزام به حرفه‌آموزی اطفال و نوجوانان مستقر در کانون اصلاح و تربیت در طول مدت محکومیت ایشان (ماده ۲۴)؛ و
- امکان تجدیدنظر و تخفیف در مدت محکومیت اطفال و نوجوانان مستقر در کانون یا تبدیل به واکنش ملایم دیگر بر حسب گزارش‌های رسیده (ماده ۲۱).

۴. قوانین کیفری حمایتی پس از استقرار جمهوری اسلامی ایران

این قوانین را از نظر شکلی و ماهوی می‌توان به شرح ذیل طبقه‌بندی کرد:

۴-۱. قوانین کیفری شکلی

۴-۱-۱. لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی ۱۳۵۸: به موجب تبصره ماده ۱۲ ق.ت.د.ع.، «به جرائم اطفال در دادگاه جزائی به ترتیب مقرر در قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه کار رسیدگی خواهد شد». با توجه به این تبصره، دادگاه‌های مستقل اطفال منحل گردید. با وجود این، مطابق تبصره رسیدگی به جرائم اطفال طبق قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال بزه کار در دادگاه‌های عمومی مقرر شده بود. ۴-۱-۲. رأی وحدت رویه شماره ۶ مورخ ۶۴/۲/۲۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: با توجه به قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۶۱ و انحلال دادگاه‌های عمومی و استقرار دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲، در خصوص صلاحیت دادگاه کیفری به جانشینی دادگاه‌های عمومی یا دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ بر حسب مورد و کیفیت رسیدگی جرائم اطفال، بین شعب ۱۱ و ۱۲ دیوان عالی کشور اختلاف حاصل شد. رأی وحدت رویه شماره ۶ مورخ ۶۴/۲/۲۳ دیوان عالی کشور مقرر داشت (به نقل از: ۵:۳۸۵):

«نظر به این که به موجب ماده ۱۹۴ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب شهریور ماه ۱۳۶۱ دادگاه‌های کیفری به دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ تقسیم شده اند و طبق ماده ۱۹۳ قانون مزبور رسیدگی به جرائم اشخاص به ترتیب مقرر در قانون یاد شده و در صلاحیت دادگاه‌های مزبور است و مستفاد از مواد ۱۹۸ و ۲۱۷ قانون مزبور ملاک صلاحیت هر یک از دادگاه‌های مرقوم کیفر قانونی پیش‌بینی شده برای جرم ارتكابی قطع نظر از خصوصیت و وضعیت متهمین می‌باشد و ماده ۲۶ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب مهر ماه سال ۶۱ مبنی بر مبری بودن اطفال از مسؤولیت کیفری در صورت ارتكاب جرم به معنای صلاحیت انحصاری دادگاه کیفری ۲ در رسیدگی به کلیه اتهامات انتسابی به اشخاصی که طفل معرفی می‌شوند، نیست. فلذا در موردی که جرائم ارتكابی اطفال (کسی که به حد بلوغ شرعی نرسیده) از جمله جرائم موضوع ماده ۱۹۸ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره ۱ آن باشد،

رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ است. در غیر این صورت، دادگاه کیفری ۲ صالح به رسیدگی خواهد بود و رأی شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور که متضمن همین معنی است، مطابق موازین تشخیص می‌گردد، این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه سال ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.»

بدین ترتیب، بر اساس این رأی آیین دادرسی خاص ناظر به شیوه رسیدگی به جرائم اطفال نیز که به موجب تبصره ماده ۱۲ لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی لازم‌الاتباع بود، از نظام قضائی ایران رخت بر بست و مقررات شکلی حمایتی کیفری اطفال معارض با قانون که با قانون مترقی تشکیل دادگاههای اطفال بزه‌کار پیش‌بینی شده بود، به طور کلی ملغی گردید و از این حیث در نبود قوانین شکلی حمایتی برای اطفال و نوجوانان نوعی رجعت به قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ محقق شد.

۴-۱-۳. آیین‌نامه قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۱۳۷۳: مجلس شورای اسلامی در اسفند سال ۱۳۷۲ در شرایطی الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ را تجویز کرد که کلیه قوانین شکلی حمایتی کیفری کودکان و نوجوانان منسوخ شده بود. قانون‌گذار در تلاش برای رفع این خلأ، به موجب تبصره ماده ۸ آیین‌نامه تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب چنین مقرر داشت که: «رئیس قوه قضائیه می‌تواند در هر حوزه قضائی هر یک از قضات را متناسب با تجربه و تبحر آنها، با ابلاغ خاصی برای رسیدگی به امور کیفری، حقوقی، خانوادگی، اطفال، دریایی، پزشکی و دارویی صنفی و امثال آن تعیین و منصوب نماید.»

با توجه به این تبصره، رئیس وقت قوه قضائیه با استفاده از این اختیار قانونی مبادرت به تشکیل دادگاههای ویژه اطفال به‌عنوان شعب خاصی از دادگاههای عمومی کرد. ولی باید توجه داشت که این شعب آیین دادرسی خاصی برای رسیدگی به اتهام اطفال در اختیار نداشتند و مقررات عام آیین دادرسی کیفری که

این شعب موظف به رعایت آن بودند، نمی‌توانست در حمایت از اطفال معارض با قانون در رسیدگی به اتهامات مربوط آنان کارساز باشد.

۴-۱-۴. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸: در نظام قضائی ایران وجود شعبی از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به جرائم اطفال بدون آیین دادرسی خاصی، فاقد جنبه کارآیی حمایتی برای اطفال و نوجوانان بود. به همین جهت و در راستای اجرای هر چه بیش‌تر کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ قانون‌گذار به هنگام تصویب ق.آ.د.ا.ک. فصل پنجم از باب دوم را با رجعت به مواد ۲۳۱-۲۱۹ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه‌کار به رسیدگی به جرائم اطفال اختصاص داد. به موجب ماده ۲۱۹ در هر حوزه قضائی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرائم اطفال اختصاص داده شد.

با توجه به اینکه طبق ماده ۲۳۱، اختصاصی بودن شعب مزبور برای رسیدگی به جرائم اطفال مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن شعب نیست، نمی‌توان این شعب را واجد استقلال برای رسیدگی به جرائم اطفال دانست.

ویژگی مهم مصوبه اخیر این است که طبق تبصره ماده ۲۲۰، «به کلیه جرائم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام نیز در دادگاه اطفال مطابق مقررات عمومی رسیدگی می‌شود». به عبارت دیگر، مقنن با اعلام وفاداری به بلوغ شرعی (۹ سال تمام قمری برای دختران و ۱۵ سال قمری برای پسران) تنها از حیث دادرسی در انطباق با کنوانسیون حقوق کودک، کلیه اشخاص زیر ۱۸ سال را بدون تفاوت از نظر جنس برحسب مورد، کودک یا نوجوان تلقی نموده است.

سایر ویژگی‌های مواد ۲۳۱-۲۱۹ در ترتیب رسیدگی از قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه‌کار ۱۳۳۸ الهام گرفته شده است. ویژگی‌هایی از قبیل ضرورت تعقیب، تحقیق و رسیدگی به وسیله قضات دادگاه (ماده ۲۲۱)، مساعدت حقوقی برای تعیین وکیل تسخیری در صورت عدم حضور ولی یا سرپرست در جلسه رسیدگی و عدم معرفی وکیل تعیینی (ماده ۲۲۰)، امکان تشکیل پرونده شخصیت برای

اشراف بر وضعیت روحی، اجتماعی طفل در هنگام رسیدگی (ماده ۲۲۲)، لزوم رسیدگی غیرعلنی (ماده ۲۲۵) و

لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان که از سوی دولت با پیشنهاد قوه قضائیه برای طی تشریفات قانونی در مجلس شورای اسلامی مطرح است دارای ۵۵ ماده بوده و نسبت به قوانین مصوب جاری دارای برجستگی‌های روشن است. برخی ویژگی‌های مهم این لایحه نسبت به قوانین مصوب به شرح ذیل است:
- تعیین ۹ سال تمام خورشیدی به عنوان حداقل سن مسؤولیت کیفری برای کودکان و نوجوانان بدون تفاوت در جنسیت (ماده ۳۲):

- الزام دادگاه به اخذ اظهارنظر متخصصان در رشته‌های روان‌شناسی کودک، جامعه‌شناسی و علوم تربیتی و درج در پرونده شخصیت برای تعیین واکنش مناسب (ماده ۷ و تبصره‌های آن):

- پیش‌بینی دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان (ماده ۹):

- واگذاری امر تحقیقات مقدماتی جرائم کودکان و نوجوانان به قضات دادرسی و دادگاه و منع دخالت ضابطان دادگستری به لحاظ حساسیت خاص موضوع (ماده ۱۴ و تبصره آن):

- پیش‌بینی میانجی کارآموده برای حل و فصل موضوع شکایت یا جبران خسارت ناشی از جرم به لحاظ تحقق امر قضا‌دایی در رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان (ماده ۱۶):

- الزامی نمودن حضور و کیل در رسیدگی به جرائم سنگین (ماده ۲۴):

- قابل گذشت تلقی نمودن کلیه جرائم تعزیری و بازدارنده و مستوجب قصاص کودکان و نوجوانان (ماده ۳۰):

- اختیار تعویق صدور رأی تحت شرایط مقرر به قضات دادگاه (ماده ۲۵):

- حذف تنبیه بدنی از فهرست واکنش‌های جزائی علیه اطفال و نوجوانان (مواد ۳۸ - ۳۲):

- امکان شبهه در کمال عقل و رشد کودکان و نوجوانانی که به بلوغ شرعی

رسیده اند و تبدیل مجازات‌های سنگین مذکور که در صلاحیت دادگاه‌های کیفری استان است، به مجازات‌های تعزیری متناسب با شخصیت ایشان (ماده ۳۵)؛ و
— پیش‌بینی دایره مددکاری اجتماعی و استخدام دانش‌آموختگان رشته‌های علوم تربیتی، مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوق برای مساعدت به دادسرا و دادگاه اطفال در جهت اعمال صحیح واکنش‌های آموزشی، مراقبتی، تربیتی، درمانی و حرفه‌آموزی (مواد ۵۱ - ۵۲).

۴-۱-۵. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱: با توجه به ضرورت حمایت گسترده از حقوق کودکان و نوجوانان اعم از اینکه معارض با قانون شناخته شوند یا اینکه بزه‌دیده یا در معرض خطر باشند، قانون‌گذار ایران قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را تصویب کرد. مهم‌ترین ویژگی‌های این قانون از حیث حمایت‌های شکلی را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

— تلقی نمودن کلیه اشخاص زیر ۱۸ سال تمام به‌عنوان کودک یا نوجوان برحسب مورد بدون تفاوت در جنس (ماده ۱)؛

— اعطای جنبه عمومی به مصادیق کودک‌آزاری مرقوم در قانون (ماده ۵). طبق این ماده کودک‌آزاری از جرائم عمومی بوده و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد؛

— تکلیف افراد، مؤسسات و مراکز مسؤؤل نگهداری و سرپرستی کودک در اعلام و مشاهده موارد کودک‌آزاری به مقامات صلاحیت‌دار و تعیین ضمانت‌اجرای کیفری در این خصوص (ماده ۶). به موجب این ماده، تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال خواهد بود.

۴-۲. قوانین کیفری ماهوی

دسته دوم از قوانین کیفری در راستای حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان پس از استقرار جمهوری اسلامی، قوانین کیفری ماهوی است. بررسی این موضوع در قوانین زیر امکان‌پذیر است:

۴-۲-۱. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵: قانون‌گذار عنوان فصل هفدهم

کتاب پنجم ق.م.ا. (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده- مصوب ۲ خرداد ۱۳۷۵) را به «جرائم علیه اشخاص و اطفال» اختصاص داده است. در این فصل، برخی از مواد ناظر به جرم‌انگاری خاص یا تشدید کیفر در حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده است:

— تعرض، مزاحمت و توهین از طریق الفاظ و حرکات در اماکن یا معابر عمومی علیه اطفال (طبق ماده ۶۱۹ حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق)؛

— ربودن یا مخفی کردن کودک زیر ۱۵ سال به قصد مطالبه وجه یا مال یا انتقام یا به قصد دیگر، به عنف یا تهدید یا حيله یا هر روش دیگر به حداکثر مجازات مقرر (طبق ماده ۶۲۱ ۱۵ سال حبس)؛

— ربودن، یا مخفی کردن طفل تازه متولد شده یا معرفی او به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگر (طبق ماده ۶۳۱ شش ماه تا سه سال حبس)؛

— خودداری از استرداد طفل سپرده‌شده به شخص به افراد صلاحیت‌دار (طبق ماده ۶۳۲ حبس از سه ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال)؛

— رها کردن طفل فاقد قدرت محافظت از خود در محل خالی از سکنه یا در محل آبادی و دارای سکنه و ایراد وقوع صدمه بدنی به وی (طبق ماده ۶۳۳ شش ماه تا دو سال حبس یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال یا نصف مجازات‌های مزبور و اعمال قصاص یا دیه یا ارزش برحسب مورد)؛ و

— ازدواج با دختر نابالغ (طبق ماده ۶۴۶ شش ماه تا دو سال حبس).

این مواد ناظر به حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده است. اما در خصوص کودکان و نوجوانان معارض با قانون، قانون‌گذار ایران با تصویب ق.ر.م.ا.، قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه‌کار مصوب ۱۳۳۸ را که ضمن درجه‌بندی مسؤولیت کیفری، واکنش‌های اصلاحی- تربیتی متنوعی را پیش‌بینی کرده بود، نسخ کرده و در زمینه تعیین واکنش علیه اتهام به ارتکاب جرائم کودکان و نوجوانان معارض با قانون به شرح ماده ۲۶ مقرر داشت: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از

مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان به نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء قانون اصلاح و تربیت می‌باشد.

تبصره ۱. منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.
تبصره ۲. چنانچه غیر بالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب شود عاقله ضامن است لیکن در مورد اتلاف مال اشخاص خود طفل ضامن است و اداء آن به عهده ولی طفل می‌باشد.

تبصره ۳. در جرائم مهمه هرگاه برای تربیت اطفال بزه‌کار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند، تنبیه بایستی به کیفیتی باشد که دیه به آن تعلق نگیرد». با تصویب ق.م.ا.، مقنن با اصلاحاتی جزئی، ماده ۲۶ را به شرح ماده ۴۹، اصلاح کرده، تبصره ۲ را به‌عنوان ماده ۵۰، و تبصره ۱ را بدون تغییر تصویب کرد. و تبصره ۳ سابق را به‌عنوان تبصره ۲ چنین اصلاح کرد: «هرگاه برای تربیت اطفال بزه‌کار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به میزان و مصلحت باشد».

مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ ق.م.ا. که در واقع منحصص ماده ۴۹ محسوب می‌شوند، برای کودکان و نوجوانان در صورت ارتکاب جرم لواط مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه شلاق مقرر می‌کنند. این در حالی است که طبق ماده ۴۹ آنان را فاقد مسئولیت کیفری دانسته است.

به طوری که ملاحظه می‌شود، اولاً، طبق ماده ۴۹ قاضی دارای اختیارات گسترده‌ای در تعیین واکنش از اتخاذ تصمیمات اصلاحی- تربیتی در سپردن به اولیاء اطفال یا فرستادن به کانون اصلاح و تربیت به هر مدتی که مصلحت بداند یا تنبیه بدنی آنان است.

بدیهی است که این روش نمی‌تواند موجب حمایت اطفال و نوجوانان معارض با قانون باشد. از این رو، قضات دادگاه‌های اطفال با اتخاذ سیاست جنائی قضائی اصولی و با اختیارات گسترده، نقص قانون را برطرف کرده و مبادرت به صدور احکام تربیتی- اصلاحی به جای مجازات‌های سرکوبگر و تنبیهی نموده اند (۱۵۳: ۷).

لایحه رسیدگی به جرائم اطفال که شور اول آن به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، واکنش‌های حمایتی و مناسبی در خصوص جرائم اطفال و نوجوانان مقرر داشته است که به موارد مهم آن اشاره شد.

۴-۲-۲. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱: اولین قانون حمایتی خاص ناظر به کودکان و نوجوانان بزه‌دیده است. مهم‌ترین مصداق‌های ماهوی این قانون را به شرح زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

— خرید، فروش، بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان و نوجوانان به منظور اعمال خلاف از قبیل قاچاق، حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان یا جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال (ماده ۳)؛ و

— صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نوجوانان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و منع تحصیل آنان سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی (ماده ۴).

لازم به یادآوری است که به موجب ماده ۸ همان قانون، «اگر جرائم موضوع این قانون مشمول عناوین دیگر قانونی شود یا در قوانین دیگر حدّ یا مجازات سنگین‌تری برای آنها مقرر شده باشد، حسب مورد حدّ شرعی یا مجازات اشد اعمال خواهد شد».

۴-۲-۳. قانون مبارزه با قاچاق انسان ۱۳۸۳: در مواد ۲ و ۱ این قانون قاچاق انسان و اعمال در حکم آن تعریف شده است. به موجب ماده ۱: «قاچاق انسان عبارت است از:

الف— خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب — تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات

اختفاء فرد یا افراد موضوع بند «الف» این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود».

طبق ماده ۲، اعمال در حکم «قاچاق انسان» به شرح ذیل احصاء شده اند:
«الف- تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد. ب- عبور دادن (خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد به طور سازمان یافته برای فحشاء یا سایر مقاصد موضوع ماده (۱) این قانون هر چند با رضایت آنان باشد. ج- عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیر مجاز افراد به قصد فحشاء هر چند با رضایت آنان باشد».

مجازات مرتکب قاچاق انسان به موجب ماده ۳ به این شرح مقرر شده است:
«چنانچه عمل مرتکب قاچاق انسان از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد، مطابق مجازات‌های مقرر در قانون یاد شده و در غیر این صورت به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می‌شود».

در تبصره ۱ این ماده در راستای حمایت کیفری از کودکان و نوجوانان آمده است که «چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از هجده سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شود».

۴-۲-۴. قانون مربوط به حضانت ۱۳۶۵: این قانون که به صورت ماده‌واحد به تصویب رسیده است، به‌منزله ضمانت‌اجرای کیفری از حکم دادگاه خانواده که حضانت کودکی را به افراد واجد صلاحیت واگذار کرده است و شخص دیگری هر چند که پدر یا مادر او باشد، از اجرای حکم ممانعت کند، مقرر داشته است که «چنانچه به حکم دادگاه مدنی خاص یا قائم‌مقام آن دادگاه، حضانت طفل به عهده کسی قرار گیرد و پدر یا مادر و یا شخص دیگری، مانع اجرای حکم شود

و یا از استرداد طفل امتناع ورزد، دادگاه صادرکننده حکم، وی را الزام به عدم ممانعت یا استرداد طفل می‌نماید و در صورت مخالفت به حبس تا اجراء حکم محکوم خواهد شد».

۴-۲-۵. قانون ثبت احوال ۱۳۵۵ با اصلاحات ۱۳۶۳: به موجب ماده ۱۶ این قانون، افرادی که موظف به اعلام ولادت اطفال و امضاء دفتر ثبت کل وقایع سازمان ثبت احوال هستند، به ترتیب عبارت اند از: پدر یا جد پدری، مادر، وصی یا قیم امین، اشخاصی که به موجب قانون عهده‌دار نگهداری طفل اند، متصدی یا نماینده مؤسسه‌ای که طفل به آنجا سپرده شده است.

همچنین طبق ماده ۱۹ همان قانون، «ماما یا پزشکی که در حین ولادت، حضور و در زایمان دخالت داشته باشد، مکلف به صدور گواهی ولادت و ارسال یک نسخه آن به ثبت احوال محل در مهلت اعلام می‌باشد».

به منظور حمایت کیفری از ضرورت اعلام ولادت اطفال، نخست طبق ماده ۴۸ قانون مذکور، در صورتی که اشخاص یادشده از انجام وظیفه (اعلام ولادت) خودداری نمایند، علاوه بر الزام به انجام تکالیف مقرر، به پرداخت دویست و یک تا پنج هزار ریال جزای نقدی محکوم می‌شدند.

وانگهی، به موجب ماده ۴۹ همان قانون، اشخاص یا اشخاص دیگری که در اعلام ولادت اطفال یا وفات یا هویت آن، بر خلاف واقع، اظهار نمایند و نیز ماما یا پزشکی که در مورد ولادت یا وفات گواهی خلاف واقع صادر کند، به حبس جنحه‌ای از شصت و یک روز تا شش ماه محکوم خواهند شد.

وفق ماده ۵۱، «هرکس تعمداً پدر و یا مادر طفل را به غیر از پدر یا مادر واقعی در اسناد و دفاتر ثبت احوال اظهار و شناسنامه دریافت کند، به حبس جنحه‌ای از ۶ ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

۴-۲-۶. قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست ۱۳۷۱: به موجب این قانون، کودکان بی سرپرست یعنی «کودکانی که بنا به هر علت و به طور دائم و یا

موقت، سرپرست خود را از دست داده باشند»^۱ از حمایت‌های مالی، فرهنگی و اجتماعی مناسبی بهره‌مند شده اند.^۲

در راستای حمایت از این کودکان و تأمین حقوق حمایتی آنان، ماده ۷ قانون مقرر می‌دارد که «هر کس بر اساس اسناد و گواهی‌های خلاف یا با توسل به عناوین تقلبی از مزایای مقرر در این قانون به نفع خود استفاده نماید به رد عین یا معادل کمک‌های نقدی و غیر نقدی دریافتی و نیز تا دو برابر آن جریمه محکوم می‌شود و چنانچه موجبات استفاده اشخاص ثالث را من غیر حق فراهم نماید به جزای نقدی تا سه برابر مزبور محکوم خواهد شد».

۴-۷. ماده واحده تصویب کنوانسیون ممنوعیت اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک ۱۳۸۰: ماده ۳ این ماده واحده بدترین اشکال کار کودک را شامل موارد زیر دانسته است:

الف - کلیه اشکال بردگی یا شیوه‌های مشابه بردگی، از قبیل فروش، قاچاق کودکان، بندگی به علت بدهی و رعیتی و کار با زور یا اجباری، از جمله استخدام به زور یا اجبار کودکان برای استفاده در درگیری مسلحانه؛

ب - استفاده، فراهم کردن یا عرضه کودک برای روسپی‌گری، تولید هرزه‌نگاری یا اجراهای هرزه‌نگارانه؛

پ - استفاده، فراهم کردن یا عرضه کودک برای فعالیت‌های غیرقانونی، به ویژه برای تولید و قاچاق مواد مخدر به گونه‌ای که در معاهدات بین‌المللی مربوط تعریف شده اند؛

ت - کاری که به دلیل ماهیت آن یا شرایطی که در آن انجام می‌شود، احتمال دارد برای سلامتی ایمنی یا اخلاقیات کودکان ضرر داشته باشد».

تبصره ۲ این ماده واحده قانون ضمانت اجرای کیفی بندهای مزبور را به شرح ذیل تعیین کرده است: «اشخاصی که کودکان را به کارهای موضوع بند (ت) ماده (۳) کنوانسیون بگمارند، مشمول مجازات‌های ماده (۱۷۲) قانون کار مصوب

۱. ر.ک.: بند ۴ ماده ۱ قانون.

۲. ر.ک.: ماده ۴ قانون.

۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشند و پروانه کار آنها توسط دستگاه ذی‌ربط به طور موقت لغو خواهد شد. در خصوص سایر بندهای ماده (۳) طبق قوانین موضوعه خواهد بود».

به طوری که ملاحظه می‌شود، بند (ت) ناظر به کار یا شرایط کاری مضر یا احتمالاً مضر به سلامتی، ایمنی یا اخلاقیات کودکان است که در قوانین موضوعه فاقد ضمانت‌اجرای کیفری بوده است. از این رو، قانون‌گذار ضمانت‌اجرای کیفری کار اجباری مندرج در ماده ۱۷۲ ق.ک. را برای ضمانت‌اجرای «بند ت» تعمیم داده است. ماده ۱۷۲ قانون کار مقرر می‌دارد:

«کار اجباری با توجه به ماده ۶ این قانون به هر شکل ممنوع است. و متخلف علاوه بر پرداخت اجرت‌المثل کار انجام یافته و جبران خسارت، با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مرتکب جرم به حبس از ۹۱ روز تا یک سال و یا جریمه نقدی معادل ۵۰ تا ۲۰۰ برای حداقل مزد روزانه محکوم خواهد شد. هرگاه چند نفر به اتفاق یا از طریق یک مؤسسه شخصی را به کار اجباری بگمارند هر یک از متخلفان به مجازات‌های فوق محکوم و مشترکاً مسؤول پرداخت اجرت‌المثل خواهند بود. مگر آنکه مسبب اقوی از مباشر باشد، که در این صورت مسبب شخصاً مسؤول است.

تبصره - چنانچه چند نفر به طور جمعی به کار اجباری گمارده شوند، متخلف یا متخلفین علاوه بر پرداخت اجرت‌المثل، با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم خواهند شد».

نتیجه‌گیری

اصل لزوم رعایت منافع عالیة کودکان به‌عنوان اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی در حقوق موضوعة کشورها به‌ویژه آن دسته از کشورهایی که مانند کشور ما به معاهده حقوق کودک ملحق شده‌اند و از این حیث تعهد بین‌المللی در زمینه اجرای مفاد معاهده دارند، ایجاب می‌کند که قوانین کیفری اعم از شکلی و

ماهوی متضمن اصول راهبردی برای حمایت از کودکان باشد. این اصل از آغاز قانون‌گذاری در ایران مورد توجه بوده است و اگر چه ق.م.ع. به‌عنوان اولین قانون مصوب کیفری به طور همه‌جانبه و گسترده در حمایت از کودکان و نوجوانان معارض با قانون، شاهد جرم، بزه‌دیده و در معرض خطر گامی مؤثر برداشت و تنها به کودکان معارض با قانون در سطحی ابتدائی عنایت نمود، ولی گام اول سیاست جنائی افتراقی کودکان و نوجوانان را نسبت به بزرگسالان بنیان‌گذاری کرد.

قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه‌کار مصوب ۱۳۳۸ که نزدیک به چهار دهه بعد از ق.م.ع. به تصویب رسید، اولین قانون جامع و اختصاصی در زمینه سامان‌دهی نظام دادرسی کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود. این قانون به نسبت زمان وضع خود همگام با مقررات بین‌المللی حمایت از حقوق کودکان به تصویب رسیده و در زمینه دادرسی و تعیین واکنش مناسب در برابر بزه‌کاری کودکان قانونی مترقی است. پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران این قانون ابتدا با تصویب ق.ت.د.ع. دادگاه‌های مستقل و ویژه پیش‌بینی شده در آن و سپس با رأی وحدت رویه شماره ۶- ۱۳۶۴/۲/۲۳ دیوان عالی کشور منسوخ شد. همچنین واکنش‌های ملایم و توأم با روش‌های اصلاحی و تربیتی و سن مسؤولیت کیفری مندرج در آن در زمینه بزه‌کاری کودکان از زمان تصویب ق.م.ا. دستخوش دگرگونی اساسی شده است. نخست، حداقل سن مسؤولیت کیفری که قبل از آن فرد فاقد مسؤولیت شناخته می‌شود، منتفی گردید. دوم، سقف سن مسؤولیت کیفری به گونه‌ای انتخاب شد (۹ سال قمری تمام برای دختران و ۱۵ سال قمری تمام برای پسران) که موجب مناقشات فراوان بین حقوق‌دانان کیفری گردید. همچنین برخلاف قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه‌کار که واکنش‌های پیش‌بینی شده با یک منطبق حقوقی بر حسب رشد کودک پیش‌بینی شده بود و قاضی دادگاه اطفال با چهارچوب مشخص اتخاذ تصمیم می‌کرد، تبدیل به گزینه‌های مختلف اصلاحی - تربیتی از طریق سپردن

طفل به اولیاء قانونی برای تربیت، یا نگه‌داری در کانون اصلاح و تربیت به هر مدت که قاضی تشخیص دهد و یا حتی تنبیه بدنی به انتخاب او شد.

این وضعیت تا تصویب ق.ا.د.ع.ا. ادامه داشت. مواد ۲۱۹ به بعد قانون اخیر با اقتباس از قانون تشکیل دادگاه اطفال بزه‌کار مصوب سال ۱۳۳۸ آیین دادرسی خاص رسیدگی به اتهام اطفال را احیاء کرد. اما در زمینه واکنش‌های کیفری در مقابل بزه‌کاری اطفال با وجود بهبود روش‌ها از طریق تفسیر قوانین موجود در آراء قضات ویژه اطفال، اقدام درخور توجهی انجام نشد. لایحه رسیدگی به جرائم اطفال نیز که توسط قوه قضائیه به مجلس تقدیم شده و تغییراتی اساسی در زمینه دادرسی و واکنش‌های جزائی علیه اطفال معارض با قانون ایجاد کرده در این خصوص تعیین تکلیف نکرده است.

با این همه، تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ و قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ گام‌های اولیه مؤثری در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده برداشته است.

همچنین، قوه قضائیه پیش‌نویس قانونی جامع را در حمایت از کودکان و نوجوانان در دست تهیه دارد که این پیش‌نویس ضمن حمایت کیفری مؤثر از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده برای طیف کودکان و نوجوانان در معرض خطر نیز چاره‌اندیشی نموده است. از آنجا که تصویب نهایی لایحه رسیدگی به جرائم اطفال به نحوی که در قوه قضائیه تهیه شده است، تغییراتی بنیادی در زمینه دادرسی ویژه اطفال ایجاد می‌کند. با توجه به کارشناسی‌های انجام شده برای تهیه این لایحه، و نیاز کشور به قانونی جامع به نظر می‌رسد که سرعت بخشیدن به مراحل ارائه این لایحه باید در دستور کار دستگاه قضائی قرار گیرد.

فهرست منابع

۱. آشوری، محمد؛ سخنرانی دادرسی ویژه نوجوانان در ایران؛ مجموعه سخنرانی‌های ارائه شده در سمینار دادرسی ویژه نوجوانان؛ معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه و یونیسیف، ۲ و ۳ اسفند ۱۳۷۸.
۲. بهشتی، احمد؛ اسلام و حقوق کودک؛ چاپ دوم، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۵۳.
۳. داور، زهرا و همکاران؛ کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی؛ چاپ اول، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۴. صندوق کودکان سازمان ملل متحد، یونیسیف؛ نشریه دادرسی ویژه اطفال.
۵. قربانی، فرج‌اله؛ مجموعه آراء وحدت رویه دیوانعالی کشور (جزائی)؛ چاپ سوم، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۸۴.
۶. مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ دادرسی ویژه اطفال در حقوق ایران؛ نشریه ندای صادق، دانشگاه امام صادق، واحد خواهران، سال نهم، بهار ۸۳، شماره ۳۳.
۷. مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ کودکان و نوجوانان معارض با قانون و واکنش‌های اجتماعی؛ علوم جنائی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
۸. موسوی بجنوردی؛ سخنرانی سیاست کیفری اسلام در دادرسی نوجوانان؛ مجموعه سخنرانی‌های ارائه شده در سمینار دادرسی ویژه نوجوانان، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه و یونیسیف، ۲ و ۳ اسفند ۱۳۷۸.
۹. نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ و هاشم‌بیگی، حمید؛ دانشنامه جرم‌شناسی؛ چاپ اول، انتشارات شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۷.